

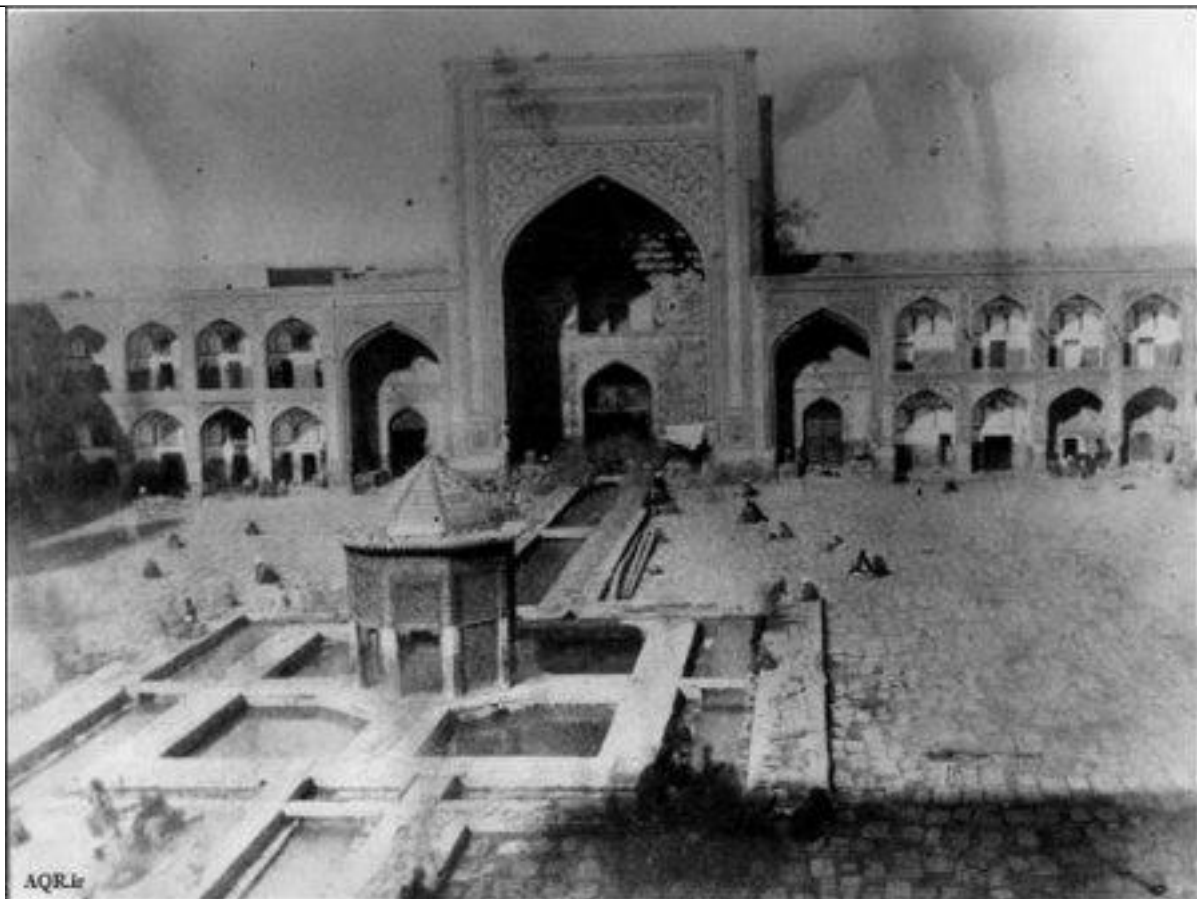
روایتی ویژه از ساخت سقاخانه اسماعیل طلا در صحن عتیق+عکس

۲۴ بهمن ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۳۷

شاه قصد باز کردن هدیه را داشت اما یکی از سرداران سپاهش به نام «اسماعیل خان» به محتویات بسته مشکوک شد و از او خواست آن را در فضایی باز و توسط چند نفر از خدمه باز کنند.

جوان و تاریخ:

اهالی قدیم مشهد روایت‌های ویژه‌ای درباره سازه طلایی رنگ قرار گرفته در وسط صحن عتیق یا انقلاب دارند. آنان این مکان را که محل نوشیدن آب است به نام سقاخانه اسمال طلا می‌شناسند اما از هر کدام اگر درباره اینکه چرا این نام را بر آن مکان گذاشته‌اند، بپرسی داستان خاصی را بیان می‌کنند. داستان‌هایی که گاهی تا زمان حیات خود ثامن الحجج(ع) نیز به عقب باز می‌گردد اما قابل قول‌ترین داستان ماجرای است که در زمان نادرشاه رخ داده است. گفتیم قابل قبول‌ترین زیرا که صحن عتیق در دوران این شاه حالت کنونی را به خود گرفته است و بر این اساس ساخت مجموعه‌ای برای استفاده مردم از آب آشامیدنی در وسط این صحن در آن زمان قابل دفاع‌تر از هر زمان دیگری است.



بر اساس در

برخی کتب تاریخی از جمله دره نادره نوشته شده، نادر شاه افشار در جنگ هرات سنگی یک پارچه به ظرفیت سه کر آب را به غنیمت گرفت و اعلام کرد به هر کس که آن سنگ را بدون رسیدن آسیبی طی ۱۲ شبانه روز به مشهدالرضا (ع) برساند، هدیه ویژه‌ای خواهد داد. فردی داوطلب انجام این کار می‌شود و سنگ را به حرکت در می‌آورد. این فرد در بین راه با خود محاسبه می‌کند که اگر شاه گفته برای رساندن این سنگ به مشهد طی ۱۲ روز جایزه‌ای ویژه به من خواهد داد به طور حتم اگر در زمان کمتری آن را برسانم جایزه‌ام بیشتر می‌شود.



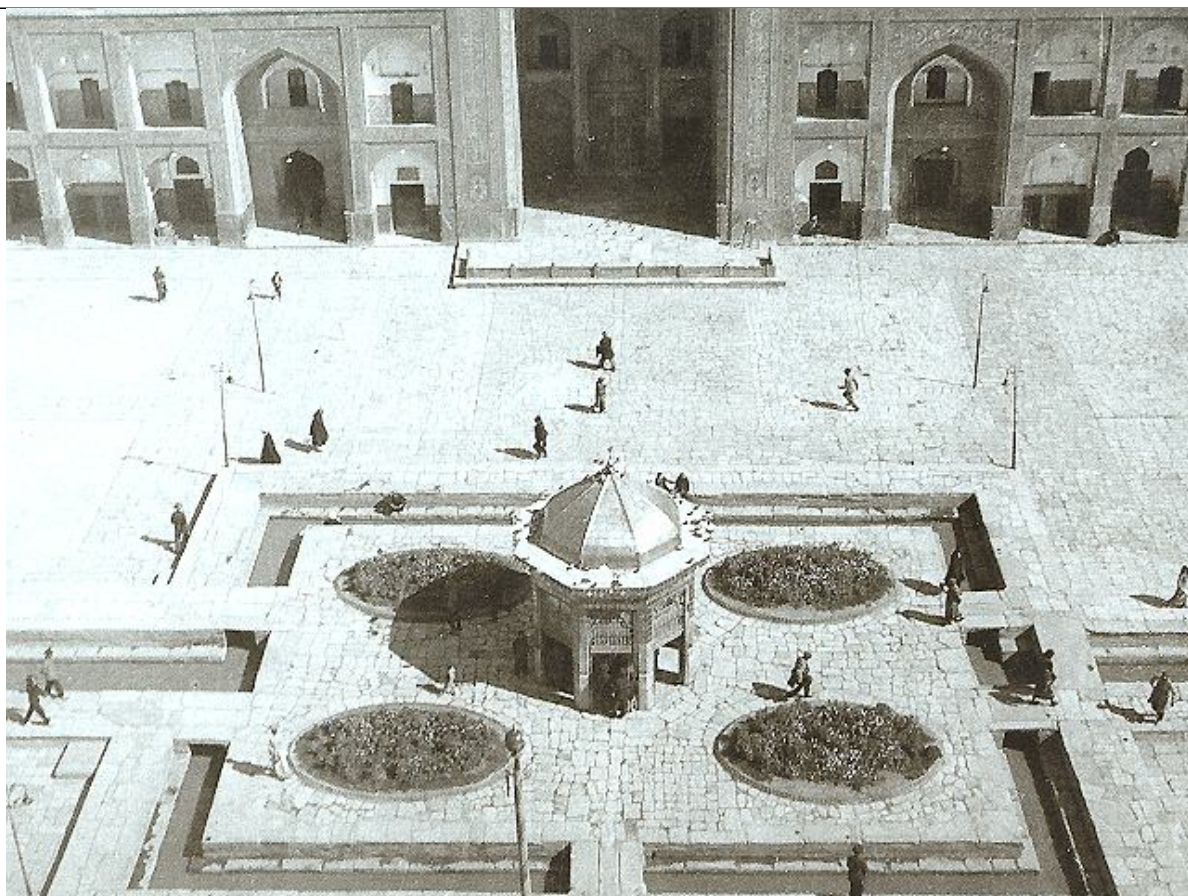
همین مسئله

باعث می شود تا او کل توان خود را به کار گیرد و سنگ را به جای ۱۲ شبانه روز طی مدت زمان ۹ شبانه روز به مشهد برساند. این فرد که نامش برای ما معلوم نیست، پس از آن به نزد نادر شاه رفته و تقاضای جایزه می کند اما نادر شاه دستور می دهد تا مطابق رسم آن زمان که چشم های نافرمانان را کور می کردند، چشم های این فرد را کور کنند. پس از چند روز که خشم شاه فروکش می کند، دستور می دهد مرد کور را نزد وی بیاورند و هدیه ای به او ارزانی می کند و می گوید که او هم می دانسته می توان کمتر از ۱۲ روز سنگ را از هرات به مشهد منتقل کرد.



اما او از اعلام

دوازده روز نیتی داشته است و ادامه می‌دهد البته اگر تو در ۸ روز هم این کار را کرده بودی تو را عقوبتی این چنین سخت نمی‌کرد. اما تو به گونه‌ای رفتار کردی که دیگر من نمی‌توانم آنچه در نظر داشتم درباره این سنگ به انجام رسانم و به همین دلیل تو را کور کردم تا درسی شود برای دیگران؛ زیرا در هر امر شاه حکمتی نهفته است. پس از این امر شاه دستور داد تا سنگ را در کنار جویی که آب چشمه گیلان واقع در ۴۸ کیلومتری شمال غربی مشهد را برای استفاده زائران به حرم منتقل کرده و از وسط این صحن عبور می‌کرده نصب کنند تا آب در آن ذخیره شده و مردم از آب تمیزتری برای رفع تشنگی خود استفاده کنند.



این وضعیت تا

دوران فتحعلیشاهی ادامه داشت. در یکی از سال‌های حکومت دومین شاه قاجار، هدیه‌ای از دربار هندوستان که آن زمان زیر نظر انگلستان بود برای شاه ارسال شد. شاه قصد باز کردن هدیه را داشت اما یکی از سرداران سپاهش به نام «اسماعیل خان» به محتویات بسته مشکوک شد و از او خواست آن را در فضایی باز و توسط چند نفر از خدمه باز کنند. شاه نیز با این امر موافقت کرد و در نتیجه بسته در خارج از شهر منفجر شد و شاه جان به سلامت برد. او نیز به پاس این خدمت اسماعیل خان دستور داد تا مقدار زیادی طلا به وی اهدا کنند. اسماعیل خان هم دستور داد از محل این سکه‌ها، در داخل صحن عتیق، سقاخانه‌ای با پوشش طلا بسازند و آن سنگ هراتی را هم منبع آب سقاخانه قرار داد. بدین گونه سنگ نادری و طلای فتحعلیشاهی و همت اسماعیل خانی سبب ایجاد «سقاخانه اسمال طلا» شد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۷۶۸/روایتی-ویژه-ساخته-سقاخانه-اسماعیل-سقاخانه-عتیق-صحن-طلا-اسماعیل-سقاخانه-اسمال-طلا>